



اجتهاد و سنت



محمد ابراهیم جنّاتی

در اصطلاح جدید، واژه سنت نه تنها بر نفس عمل و سخن و تقریر معصوم، بلکه بر هر چیزی که حکایت کننده و بازگو کننده عمل و سخن و تقریر معصوم بوده اطلاق گشت. یعنی دانشمندان به روایات و احادیثی که بیان کننده سنت بود واژه سنت را اطلاق کردند. و این اطلاق در آغاز به صورت مجاز گویی و مسامحه کاری صورت می گرفت ولی بعدها بعنوان یک اصطلاح جدید و اطلاق حقیقی درآمد.

سنت فعلی

سنت فعلی که همان نفس عمل معصوم است بی تردید دارای اعتبار می باشد. و در مقام استنباط احکام مورد استناد فقهای مذاهب اسلامی قرار می گیرد، بشرط اینکه از قرائن حالی یا مقامی احراز شود که معصوم در صدد تشریح و بیان حکم خدا بوده است. زیرا همه افعال و گفتار معصوم^(ع) به منظور تشریح صورت نمی گیرد، چرا که او همانند همه انسانها دارای نیازهای مادی

با سپری شدن عصر وحی و احساس ضرورت اجتهاد، سنت بعنوان یکی از منابع اصلی و عمیق استنباط احکام حوادث واقعه مورد توجه و استناد قرار گرفت. سنت عبارت است از: نفس فعل و سخن و تقریر معصوم.

در بینش اهل سنت، معصوم فقط رسول خدا است، ولی در دیدگان امامیه، عصمت به رسول خدا^(ص) و دوازده امام پس از وی و نیز فاطمه زهرا^(ع) اختصاص دارد.

به هر حال هر گاه عصمت فردی از راه برهان ثابت بشود، اعتبار و حجیت عمل و سخن و تقریر او مجال تردید ندارد. و عمل و سخن و تقریر او سنت نامیده می شود.

با گذشت زمان و تدوین مجموعه های حدیثی و رواج نقل حدیث و روایت و خبر، واژه سنت معنا و کاربرد نوینی پیدا کرد. و آن معنای نوین بصورت یک اصطلاح جدید ظاهر گشت.

وامور تجاری باشد، از نفس عمل او هر چند که فسق و فساد قرائن یاد شده باشد، می‌توان اباحه را نتیجه گرفت، ولی در مسائل عبادی استنتاج اباحه مورد اختلاف است. این تفصیل را ابوالیسر برگزیده و بر آن ادعای اجتماع کرده است.

ب- وجوب، در امور عبادی و قربی: برخی بزرگان اهل سنت مانند: مالک بن انس اصبحی و محمد بن عبدالرحمن بن ابی لیلی (پیشوای یکی از مذاهب از میان رفته) اعتقاد دارند که از مجرد عمل معصوم در مسائل عبادی و قربی می‌توان وجوب را نتیجه گرفت، زیرا فعل رسول چون گفتار او دلیل وجوب است، مگر آنچه با دلیل از این اصل خارج شده باشد.

ج- استحباب: این قول را علامه محمد خضری نویسنده اصول الفقه به بعضی از محققان نسبت داده است.

د- اباحه: به این دلیل که اباحه قدر متیقن از فعل معصوم است. و پیروی از فعل او منوط به دلیل مجوز است این قول به علامه کرخی منسوب است.

ه- اباحه: با این فرق که پیروی از آن، بدون دلیل جایز است. مگر زمانی که صریحاً از پیروی منع شده باشد. این قول به گروهی از علمای مذهب حنفی نسبت داده شده است.

و- توقف، یعنی عدم نتیجه‌گیری وجوب، استحباب، و یا اباحه: این قول در اصول الفقه خضری به برخی از محققان منسوب شده است.

در هر حال برای استفاده بردن حکمی از فعل معصوم چند شرط لازم است:

- ۱- معصوم در مقام تشریح و بیان حکم خدا باشد و فعل از افعال عادی و طبیعی روزمره نباشد.
- ۲- پیروی از فعل معصوم در آن مورد جایز باشد و مورد نهی قرار نگرفته باشد. زیرا برخی از افعال فقط برای پیامبر جایز بوده است مانند ازدواج با بیش از چهار زن و داخل شدن مکه بدون احرام و وصال در روزه

و طبیعی است و نیز برای ادامه معیشت و تأمین زندگی خویش احتیاج به تلاشهایی دارد.

مثلاً به هنگام تشنگی آب می‌نوشد و یا در جایی سریع حرکت می‌کند و یا بر اثر بیماری از خوردن غذایی امتناع می‌ورزد که هیچکدام از این امور دلیل بر وجوب یا حرمت نیست. زیرا در این گونه موارد، از قرائن می‌توان فهمید که معصوم در مقام بیان حکم و تبیین شریعت نیست.

بنابراین از مطلق عمل معصوم نمی‌توان وجوب یا حرمت، استحباب یا کراهت شرعی را استفاده کرد، اگرچه از فعل معصوم می‌توان عدم حرمت فعل را (در همه یا برخی موارد) استفاده نمود و نیز از ترک عمل معصوم عدم وجوب فعل را (در همه یا برخی موارد) استفاده کرد. زیرا بطور مسلم از معصوم گناه صادر نمی‌شود و صادر شدن فعل از او دلیل مباح بودن آن عمل برای دیگران است، مگر در احکامی که از مختصات معصوم بشمار می‌رود.

علامه سیف الدین آمدی مؤلف کتاب الاحکام فی اصول الاحکام و علامه محمد خضری صاحب اصول الفقه و علامه عثمان بن عمر اسنوی، معروف به ابن حاجب صاحب مختصر الاصول، از جمله کسانی هستند که در جامعه اندیشمندان اهل سنت نظریه فوق را پذیرفته‌اند. و تنها از کلام علامه خضری استفاده می‌شود که او اباحه به معنای خاص (تساوی طرف فعل و ترک) را اراده کرده است، زیرا اباحه را به معنای عام تقیید نکرده است.

بهر حال استفاده حکم شرع از فعل معصوم مشروط بر این است که از قرائن حالی و مقامی و مقالی به دست آوریم که معصوم در مقام بیان حکم شرع است و در صورتی که این قرائن به دست نیاید و گونه عمل معصوم دانسته نشود، احتمالات مختلفی در رابطه با آن طرح شده است:

الف- اباحه: هرگاه فعل معصوم در موضوع معاملات

و بیان حکم وجود نداشته باشد، مثلاً امام در موضع تقیه نباشد. چرا که بیشتر امامان در روزگار حکام جور مورد آزار آنان قرار داشتند و گاه بیان احکام واقعی به صلاح امت اسلام نبوده و مجبور به تقیه بوده‌اند.

بنابراین هر گاه ثابت شود که سکوت امام از روی تقیه نبوده است این سکوت به منزله تقیر و امضای او تلقی می‌شود ولی چنانچه ثابت نشود که امام در حال تقیه بوده یا خیر نمی‌توان از سکوت او نتیجه‌ای گرفت. در مواردیکه قطعاً سکوت امام تقیر بشمار آید، بیش از جواز به معنای عام را افاده نمی‌کند. و اعتقاد به اینکه تقیر، اباحه به معنای خاصی - تساوای فعل و ترک - را می‌رساند صحیح نیست، زیرا تعیین اباحه به معنای خاص از میان احتمال وجوب، استحباب، کراهت و اباحه بدون دلیل مشکل است چرا که تقیر همانند فعل مجمل است و بیان ندارد، قدر متیقن از آنان اباحه به معنای عام - یعنی اباحه مردد بین وجوب، استحباب اباحه خاص می‌باشد. پس نظریه علامه محمد خضری در کتاب اصول الفقه (ص ۲۳۳) مبنی بر اینکه تقیر معصوم دلیل بر اباحه است، نادرست به نظر می‌رسد البته اگر از آن اباحه، معنای خاص را اراده کرده باشد.

نظرگاهها در شرایط استنباط از سنت

یکی از موضوعاتی که باید در بحث سنت مطرح شود این است که آیا روایات بدون هیچ قید و شرطی در طریق استنباط احکام شرعی دارای حجیت و اعتبار است و یا پس از بررسی و رعایت شرایطی می‌توان از آنها در طریق استنباط بهره جست؟

در این زمینه آرای مختلفی وجود دارد که فهرست گونه بدان اشاره می‌کنیم:

* فقهای حنفی پیروان نعمان بن ثابت معروف به ابوحنیفه (۸۰-۱۵۰هـ.ق) عقیده دارند که: خبر باید متواتر و قطعی باشد تا قابلیت استنباط را پیدا کند و خبر اگر متواتر نباشد برای استنباط ارزشی ندارد هر

و وجوب نماز شب و عدم جواز نماز و تسیره برای او و... که در این موارد فعل معصوم تشریح بشمار نمی‌آید و راه و روش دیگران را نمی‌نمایاند و افراد دیگر به اتکای عمل پیامبر نمی‌توانند آن را انجام دهند و تقلید نمایند.

سنت تقیری

سنت تقیری عبارت است از اینکه عملی در میان مردم رایج باشد و یا شخصی آن را در مقابل معصوم انجام دهد و معصوم آن عمل را انکار نکند و مورد نهی قرار ندهد. و یا اینکه صریحاً آن را تأیید و امضاء نماید. این گونه تقیر نیز قطعاً از موارد سنت است.

دلالت سکوت معصوم بر امضاء و تقیر ممکن است به یکی از مبانی زیر باشد:

الف: شرع، یا این بیان که اگر آن عمل مورد رضایت شرع نبود بر امام لازم بود که به جهت امر به معروف و نهی از منکر و یا ارشاد جاهل، آن عمل را مورد انکار قرار دهد. و این عدم انکار دلیل بر مشروع بودن آن عمل است.

ب- عقل، با این بیان که اگر آن فعل با غرض و خواست شارع منافات داشته باشد معصوم باید جلوی تحقق آن را بگیرد تا نقض غرض نشود، زیرا نقض غرض از فرد عاقل ملتفت صورت نمی‌گیرد، پس اگر معصوم جلوی آن عمل را نگیرد و آن را انکار نکند نشانه این است که آن عمل منافاتی با خواست و غرض شارع ندارد.

ج- ظهور حال، با این بیان که اگر عملی در برابر معصوم انجام شود و او سکوت نماید، ظاهر حال گویای رضایت اوست.

بهر حال برای تحقق تقیر و امضای امام دو شرط لازم است:

- ۱- فعل بگونه مرئی در برابر دید امام صورت پذیرد.
- ۲- برای امام مانعی از امر به معروف و نهی از منکر

حنبل شیبانی بر این عقیده بوده است که خبر واحد بخودی خود افاده علم میکند.

• فقهای ظاهری، پیروان داود اصفهانی (۲۰۲-۲۷۰ هـ ق) و فقهای اوزاعی، پیروان عبدالرحمان اوزاعی (۸۸-۱۵۷ هـ ق) و اخباریان شیعه، پیروان ملامحمد امین استرآبادی (م ۱۰۲۳ تا ۱۰۳۶) نیز مانند حنابله می‌اندیشند و هر خبری را معتبر می‌دانند.

ابن حزم ظاهری پیشوای دوم مذهب ظاهری در کتاب الاحکام لاصول الاحکام از علامه داود اصفهانی و حسین بن علی کرابیسی و حارث محاسبی نقل کرده است که آنان خبر واحد را علم آور می‌دانستند و خود ابن حزم نیز همین قول را پذیرفته است.

ابن خوزمندان، این نظریه را از مالک بن انس نقل کرده و خود او نیز آن را پذیرفته و به تفصیل آن را تقریر کرده است (ارشاد الفحول/ ۴۸).

بهر حال بیشتر علمای مذاهب اسلامی خبر واحد را حجت می‌دانند، اگرچه در شرایط حجیت خبر واحد با یکدیگر اختلاف نظرهایی دارند.

• فقهای امامیه، در استنباط حکم شرعی از روایات، تواتر را شرط نمی‌دانند. و معتقدند که از خبر واحد نیز می‌توان حکم شریعت را استنباط کرد، بشرط اینکه از سه ناحیه بررسی شود.

۱- اصل صدور.

۲- جهت صدور.

۳- دلالت.

۱- اصل صدور

یعنی خبر واحد در صورتی قابل اعتماد است که ما حال راویان را از نظر وثاقت و ضابط بودن بشناسیم و بدانیم که روایت مذکور از جهت سند دارای چه درجه‌ای از اعتبار است.

برای شناخت اصل صدور (حال راوی و چگونگی

چند که راویان آن ثقة باشند، بنابراین روایاتی که مرسل یا راویان آن ضعیف باشد به طریق اولی غیر قابل استفاده خواهد بود.

بنا به نقل علامه محمد بن علی شوکانی (۱۱۷۳-۱۲۵۰ هـ ق) در ارشاد الفحول / ۴۹ برخی از اندیشمندان جامعه اهل سنت از او پیروی نموده‌اند از آنها است ابن علی و عبدالله اصم و کاشانی ظاهری، سبب منع از عمل بخبر غیر متواتر بنظر ابن علی و عبدالله اصم، عقل و بنظر کاشانی، شرع است.

• فقهای مالکی پیروان مالک بن انس اصبحی (۹۳-۱۷۹) عقیده دارند که: موثق بودن روایت برای جواز استنباط از آن کافی است و تواتر موضوعیت و شرطیت ندارد. و از هر خبر موثقی میتوان حکم شرع را استنباط کرد مگر آن روایتی که مورد اعراض اهل مدینه قرار گرفته باشد ولی همانگونه که در شماره هفدهم همین مجله اشاره شد آنان به مطلق خبر واحد عمل نمیکنند پس خبر واحد اگر موثق باشد مورد عمل قرار میدهند.

• فقهای شافعی پیروان محمد بن ادریس شافعی (۱۵۰-۲۰۴) عقیده دارند که: صرف موثق بودن حدیث کافی است و میتوان در کار استنباط از آن بهره جست و حتی اعراض اهل مدینه نیز مانع از جواز استنباط نخواهد بود.

بنابراین نظر فقهای شافعی، هم بادیدگاه فقهای مالکی تفاوت دارد و هم با عقیده فقهای حنفی.

• فقهای حنبلی، پیروان احمد بن حنبل شیبانی اخباری (۱۶۴-۲۴۱) عقیده دارند که هر خبری چه متواتر و چه غیر متواتر، چه مسند و چه مرسل، دارای اعتبار است و میتوان در امر استنباط از آن بهره گرفت و بدان استناد جست.

بنا به نقل علامه محمد بن علی شوکانی در مصدر مذکور، ابن شریح و ابوالحسن بصری و صیرفی از شافعیه، از آنان پیروی کرده‌اند. و قدر مسلم احمد بن

پس از تمام شدن دلالت روایت، مجتهد می‌تواند بر اساس آن حکم حوادث واقعه و موضوعات مستحدثه را استنباط و بیان کند.

در این مجال مناسب است که نام بعضی از کتب رجالی شیعه و اهل سنت را نام ببریم.

کتب رجالی شیعه:

- * رجال کشی، تألیف محمد بن عمر کشی.
- * رجال برقی، تألیف احمد بن محمد برقی.
- * رجال غضائری، تألیف احمد بن حسین غضائری.

* رجال نجاشی، تألیف احمد بن علی نجاشی.

* رجال شیخ طوسی، تألیف محمد بن حسن طوسی.

* رجال ابن داود، تألیف حسن بن علی حلی معروف به ابن داود.

* منهج المقال، تألیف میرزا محمد استرآبادی. و کتب دیگری که یاد آنها به طویل می‌انجامد.

کتب رجالی اهل سنت:

* الکمال فی معرفة الرجال، نوشته عبدالغنی جماعلی.

* تهذیب الکمال، نوشته: یوسف مزی.
* تذهیب الکمال، تألیف محمد بن احمد ذهبی.

* تهذیب تهذیب الکمال، تألیف احمد بن علی معروف به ابن حجر عسقلانی.

* میزان الاعتدال، نوشته ابن قایماز ذهبی ترکمانی.

و نیز کتابهای متعدد دیگری که ذکر آنها از حوصله این نوشته خارج است.

سند روایات) علم رجال و درایه شکل گرفته است و رجال شناسان کاوشهای قابل توجهی را در این زمینه صورت داده‌اند.

۲- جهت صدور

جهت صدور، یعنی تشخیص اینکه آیا روایت بجهت تقیه صادر شده و یا در مقام تشریح و بیان حکم بوده است یا خیر؟

برای شناخت جهت صدور باید به بررسی این امور پرداخت:

۱- زمان صدور.

۲- حاضران در مجلس.

۳- شرایط ذهنی سئوال کننده.

هر گاه از این امور استکشاف حال شد و دانستیم که روایت از روی تقیه یا امتحان و یا برای تشریح صادر شده، مقصود حاصل است ولی اگر از حال معلوم نشد، باید کلام معصوم را بر ظاهر آن (که بعد از بررسی از ناحیه سوم که جهت دلالت است حاصل می‌شود) حمل کرد و بر طبق آن عمل نمود. زیرا صدور حکم از روی تقیه و یا امتحان نیاز به اثبات دارد، و تا زمانی که ثابت نشود عقلاً ظاهر کلام را حمل بر مراد اصلی می‌کنند.

۳- شناخت دلالت

و اما برای شناخت دلالت روایت و چگونگی آن، نیاز به دقت و قدرت استنباط و اجتهاد می‌باشد.

علمای اصول در کتابهای اصولی برخی از جنبه‌های کلی و عام دلالت را مورد دقت قرار داده‌اند، و از آن مباحث قواعدی را استنتاج کرده‌اند، مانند این که آیا امر دلالت بر وجوب دارد یا خیر، چگونگی حل مشکل اجتماع امر و نهی، دلالت مشتقات و شیوه و شرایط مفهوم‌گیری از جملات شرطی و غیر شرطی

اقسام سنت

سنت: یعنی «احادیث»*، «روایات»^۱ و «اخباری»^۲ که فعل یا قول و یا تقریر معصوم را حکایت می‌کند. چه آنهایی که در طریق استنباط حکم مورد استناد فقها قرار می‌گیرد و چه آنهایی که بدلیل فقدان برخی شرایط حجیت مورد استناد قرار نمی‌گیرد.

از این بیان استفاده می‌شود که سنت دارای قسم واحدی نیست، بلکه دارای اقسامی است، که ما بطور فشرده به اقسام آن اشاره خواهیم داشت. درنگاه نخستین، سنت به مقطوع الصدور و غیر مقطوع الصدور تقسیم می‌شود و سپس مقطوع الصدور به متواتر و غیر متواتر، و غیر مقطوع الصدور (که خبر واحد است) به مسند و غیر مسند (یعنی مرسل) تقسیم می‌گردد.

خبر مسند نیز به نوبه خود، به معتبر و غیر معتبر و معتبر به صحیح و موثق و حسن و ضعیف قابل تقسیم است.

غیر مسند (یعنی مرسل) به موثق و غیر موثق تقسیم می‌شود.

به جز تقسیمهای فوق، تقسیمهای دیگری نیز یاد شده است که به عناوین مذکور بازگشت دارد، از قبیل مقبول، شاذ، مشهور، قوی، مستفیض، مجهول، مهمل، موقوف، معضل، مضمّر، معلق، مرفوع، معلل، مضطرب، مدرج، مقلوب، معنعن، متشابه، مؤتلف، مختلف، موضوع، متروک، مطروح، مشترک، عالی، نازل، منکر، مصحف محرّف و مختلف النسخه.

شرح اقسام خبر

۱- مقطوع الصدور: به آن خبری اطلاق می‌شود که به گونه قطع و یقین از رسول خدا (ص) و یا یکی از معصومین (ع) صادر شده باشد. که این بردو قسم است: مقطوع الصدور متواتر و مقطوع الصدور غیر متواتر.

۲- مقطوع الصدور متواتر: روایتی است که راویان آن در هر طبقه متعدد باشند. به حدی که تبانی آنها بر

جعل خبر و کذب، عادتاً ممکن نباشد.

۳- مقطوع الصدور غیر متواتر: روایتی است که راویان آن در هر طبقه دارای تعدد و کیفیت یاد شده در خبر متواتر، نباشند ولی در کنار خبر قرینه‌ای وجود داشته باشد که خبر به ضمیمه آن قرینه مستلزم قطع به صدور شود.

* حدیث در لغت به معنای چیز تازه و مطلق گسفتار است، علامه طریحی در مجمع البحرین می‌نویسد: حدیث چیزی هم‌ردیف کلام است و به علت تعدد و حدوث تدریجی، آن را حدیث گویند. علامه احمد فیومی در کتاب مصباح المنیر می‌گوید: حدیث چیزی است که از آن خبر دهند، مثلاً بگویند: حدیث پیامبر چنین بوده است و در عرف شرع حدیث‌شبه چیزی می‌گویند که به رسول خدا (ص) منسوب باشد....

و اما در اصطلاح اهل حدیث عبارت از قول و فعل و تقریر معصوم می‌باشد. قول معصوم به این است که راوی بگوید از رسول خدا (ص) و یا امام علیه السلام شنیدم که چنین فرموده است.

فعل معصوم به این است که راوی بگوید: دیدم رسول خدا و یا امام چنین کاری را انجام داده است. تقریر معصوم به این است که راوی بگوید در نزد امام چنین کاری انجام گرفت و او آن را انکار نکرد.

علامه حافظ احمد عسقلانی معروف به ابن حجر عسقلانی (۸۵۲هـ) در مقدمه کتاب فتح الباری در شرح صحیح بخاری خود می‌نویسد: چون در صدر اسلام به کتاب خدا «قدیم» می‌گفتند آنچه را که منسوب به رسول خدا (ص) بود حدیث (یعنی جدید) می‌نامیدند و این اصطلاح باقی ماند.

روایت در لغت به معنای باز گو کردن سخن می‌باشد و جمع آن «روایت» و «راوی» است و در اصطلاح اهل حدیث عبارت از چیزی است که دست بدست نقل شود تا به معصوم برسد، یعنی باز گو کنندهای از باز گو کننده دیگری نقل کند تا منتهی شود به رسول خدا (ص) و یا یکی از امامان (ع). برخی از اندیشمندان لغت مانند علامه طریحی و غیره این اصطلاح را در روایت به اهل حدیث منسوب دانستند.

خبر در لغت به معنای گزارش پدیده و موضوعی است و اما در اصطلاح بعضی از اندیشمندان خبر و حدیث را مرادف و هم‌تا دانستند از آن جمله است بزرگ شخصیت جهان اسلام محمد بن حسین بن عبدالصمد معروف به شیخ بهائی در کتاب

علمای اهل سنت نیز در این مورد دارای دو بینش هستند.

ولی بطور کلی علمای اخباری، چه شیعه و چه اهل سنت مانند: ملا محمد امین استرآبادی و پیروان او، احمد بن حنبل شیبانی و اصحاب او، داود بن علی ظاهری اصفهانی و پیروان او و اوزاعیان پیروان عبدالرحمان اوزاعی و ... خبر واحد را معتبر دانستند. و راز این امر در خصلت اخبار یگری آنان نهفته است.

۶- خبر واحد غیر مسند (یعنی خبر واحد مرسل) خبری است که در سند آن نام همه راویان ذکر نشده باشد. حجیت این گونه اخبار نیز مورد بحث قرار گرفته است.

اندیشمندان اصولی شیعه، حجیت آن را نپذیرفته و از این رو در مقام استنباط آن را بکار نگرفته‌اند. ولی علمای اصولی اهل سنت گفته‌اند که هرگاه در میان راویان یاد شده نام یکی از صحابه و یا از تابعین ذکر شده باشد، آن خبر دارای اعتبار و حجیت است و در این میان فقط ابوحنیفه است که می‌گوید خبر واحد بطور کلی اعتبار ندارد و تنها خبر متواتر دارای اعتبار است.

و نیز محمد بن ادریس شافعی را می‌توان از مجموع علمای اهل سنت در این نظریه استثنا کرد. به دلیل این که او در اواخر خبر واحد غیر مسند را فاقد اعتبار دانست مگر در صورتی که به دلیل دیگری مورد تأیید قرار گیرد.

و اما در صورتی که خبر واحد غیر مسند در بر دارنده نام یکی از صحابه یا تابعین نباشد حجیت آن در نزد اهل سنت مورد اختلاف است. برای آگاهی بیشتر می‌توان به شرح المنار اثر ابن مالک (ص ۲۰۷) مراجعه کرد.

۷- خبر واحد مسند معتبر: خبری است که باعث علم به صدور آن از معصوم (ع) بشود، و فرقی ندارد که این علم چگونه و از چه راهی به دست آمده باشد. از عمل

بهر حال، چنانچه روایتی مقطوع الصدور شناخته شد، چه به دلیل تواتر چه به دلیل دیگر، حجیت آن در نزد اندیشمندان اصول و اخباری در همه مذاهب اسلامی جای تردید ندارد و خبر مقطوع الصدور بعنوان پایه شناخت احکام حوادث واقعه پذیرفته شده است. و سبب اعتبار و حجیت آن در قطعی و علمی بودن آن نهفته است. چرا که حجیت علم و قطع ذاتی است و نیاز به استدلال ندارد.

۴- خبر غیر مقطوع الصدور: روایتی است که از آن علم به صدور روایت از معصوم حاصل نمی‌شود، مانند خبر واحد.

خبر واحد، خبری است که راویان آن به حد تواتر نرسد و نیز همراه با روایت قرینه‌ای وجود نداشته باشد که قطع به صدور را در پی داشته باشد.

خبر واحد نیز دارای اقسامی است: خبر واحد مسند، خبر واحد غیر مسند، خبر واحد معتبر، خبر واحد مسند غیر معتبر، که شرح هر کدام بطور اختصار در زیر خواهد آمد:

۵- خبر واحد مسند: یعنی خبری که در سند آن اسامی همه راویان از زمان معصوم تا زمان حال معلوم باشد.

اعتبار اینگونه خبر واحد در نزد علمای مذاهب اسلامی مورد بحث و گفتگو است. گروهی از علمای اصولی شیعه مانند شیخ طوسی، خبر واحد مسند را بعنوان منبع شناخت احکام پذیرفته‌اند. و گروه دیگری از آنان مانند سید مرتضی و اصحاب او، ابن زهره، ابن براج، ابن ادریس و ... آن را معتبر ندانسته‌اند.

و نیز هاشم که در علم درایه از بهترین کتابهای حدیث‌شناسی است.

بهر حال برخی گفته‌اند که خبر اعم از حدیث است زیرا خبر آن است که از قول تمام انسانها حکایت دارد ولی حدیث آن است که تنها حکایت از قول معصوم دارد، و برخی نیز بر این عقیده‌اند که آن اخص از حدیث است زیرا خبر اختصاص دارد به آن اثری که از صحابه رسیده باشد.

بعضی از راویان آن دارای مذهب دیگری باشند ولی مورد توثیق مشایخ حدیث قرار گرفته باشند.

اینگونه خبر را علمای شافعی و مالکی- در صورتی که با عمل اهل مدینه مخالف نباشد- و حنبلی و ظاهری و اوزاعی و طبری و... و بیشتر علمای شیعه، بعنوان منبع و مصدر استنباط پذیرفته‌اند. ولی برخی از علمای اصولی شیعه و نیز ابوحنیفه، حجیت آن را نپذیرفته‌اند.

۱۱- خبر حسن: در نظر امامیه، خبری است که همه راویان آن در سند حدیث امامی و از جانب دانشمندان علم حدیث مورد مدح قرار گرفته باشند. و یا اینکه راویان آن عادل و موثق و ممدوح و یا موثق و ممدوح و یا عادل و ممدوح باشند.

و اهل سنت تعریفهای مختلفی برای خبر حسن آورده‌اند که برخی از آنها به تعریف امامیه بازگشت دارد و برخی دیگر دارای تفاوت است، و برای وقوف بیشتر می‌توان به کتاب اضواء علی السنه المحدثه نوشته علامه محمود ابوریه (ص ۲۸۲) مراجعه کرد.

هرگاه خبری حسن تشخیص داده شد از سوی علمای شیعه و اهل سنت مورد عمل قرار می‌گیرد. مگر ابوحنیفه و پیروان او که بجز خبر مستواتر، خبری را حجت نمی‌دانند.

۱۲- خبر ضعیف: خبری است که همه راویان و رجال سلسله سند و یا برخی از آنان مورد جرح و طعن و مذمت قرار گرفته و یا مجهول الحال و ناشناخته باشند.

این گونه اخبار ضعیف را دانشمندان اصولی مذاهب اسلامی، برای اثبات وجوب یا حرمت کافی ندانسته‌اند، اگر چه دانشمندان اخباری به استثنای احمد بن حنبل شیبانی بنا به نقل ابن مفلح در کتاب الاداب الشرعیه (ج ۲ ص ۳۱۴) اعتبار آن را پذیرفته‌اند.

بلی! بیشتر علمای اصولی معتقدند که هرگاه روایتی از جهت سند ضعیف باشد ولی اصحاب در مقام استنباط بدان اعتماد کرده باشند، عمل اصحاب، ضعف سند را جبران می‌کند و می‌توان بر طبق آن حدیث عمل

بیشتر فقها یا از راه دیگر. زیرا هرگاه علم آمد، حجیت علم جای تردید ندارد. و بدینجهت اعتبار این گونه خبر جای اختلاف میان اندیشمندان مذاهب اسلامی ندارد و همه اعتبار آن را پذیرفته‌اند.

۸- خبر واحد مسند غیر معتبر: خبری است که باعث علم به صدور نشود همه اخباریان این گونه خبر واحد را مورد عمل قرار داده‌اند ولی علمای اصولی در استناد به این گونه احادیث اختلاف کرده‌اند و گروهی اعتماد بر آن را صحیح ندانسته‌اند.

دکتر محمصانی در فلسفه التشریح فی الاسلام نقل کرده است که جمهور دانشمندان اهل سنت بر این اعتقادند که خبر واحد هرگاه بوسیله عادل نقل شده باشد علم آور است و بدلیل علم آور بودن حجت خواهد بود.

برای کاوش بیشتر رجوع شود به: الاحکام لاصول الاحکام اثر محمد بن حزم ظاهری، پیشوای دوم مذهب ظاهری (ج ۱ ص ۱۰۸)، والاحکام فی اصول الاحکام اثر علامه سیف‌الدین آمدی شافعی (ج ۱ ص ۱۶۱)- و رساله اصولی محمد بن ادریس شافعی صفحه ۹۸- مسلم الثبوت اثر علامه محب‌الله بن عبدالشکور بهاری (ج ۲ ص ۸۸).

۹- خبر صحیح: در بینش امامیه خبری است که راویان آن امامی مذهب باشند و از ناحیه علمای رجالی توثیق و تعدیل شده باشند.

علمای سایر مذاهب، خبر صحیح را خبری می‌دانند که راویان آن همه عادل باشند البته معانی دیگری را نیز علامه نووی در التقریب و علامه جرجانی در کتاب تعریفات آورده‌اند که نیازی بذکر آنها نمی‌باشد.

بهر حال هرگاه خبری صحیح دانسته شد، بی تردید مورد استناد قرار خواهد گرفت، البته نه از سوی همگان بلکه از سوی کسانی که آن را صحیح دانسته و شناخته‌اند.

۱۰- خبر موثق: خبری است که همه راویان آن و یا

نیست ولی معظم فقها بدان اعتماد واستناد کرده و آن را در مقام استنباط احکام حوادث واقعه و مسائل مستحدثه بکار گسرفته‌اند.

۲- شاذ: خبری است که فقها برطبق آن فتوا نداد‌اند و یا افراد بسیار اندکی برطبق آن فتوا داد‌اند در حالی که روایت‌کنندگان آن همه موثق و عادل باشند.

۳- مشهور: خبری است که روایان آن زیاد باشند ولی به حد تواتر نرسیده باشد.

۴- قوی: به نظر امامیه روایتی است که همه رجال سند و روایان آن امامی باشند. و به نظر اهل سنت روایتی است که همه روایان آن عادل و منضبط باشند. ولی درباره آنها از طرف مشایخ حدیث مدح و یا ذمی نرسیده باشد.

این گونه اخبار در مقام استنباط مورد استناد فقها قرار می‌گیرد.

۵- مستفیض، خبری است که روایان آن در هر طبقه از سه نفر کمتر نباشد. و از اول تا آخر سند، اسنادها متصل باشد و روایان دارای ضبط بوده و مورد مذمت قرار نگرفته باشند.

حجیت این گونه روایات، میان علمای اسلامی مورد اختلاف است.

۶- مجهول: خبری است که مشایخ حدیث درباره همه روایان آن و یا برخی از روایان آن اظهار نظر مثبت یا منفی نکرده باشند. و این بر دو گونه است. یا خود راوی مجهول است و راوی‌ای بدان نام در کتب حدیث یاد نشده است و یا نامش معلوم است ولی حالش از جهت وثاقت و عدالت و یا ضعف معلوم نمی‌باشد.

این گونه روایات در مقام استنباط احکام دارای اعتبار و حجیت نیست.

۷- مهمل: خبری است که همه روایان آن و یا برخی از روایان آن در سند ذکر شده است ولی در

کرد و فتوا داد. همانطور که اگر حدیثی از جهت موازین علم رجال و درایه معتبر شناخته شود ولی مورد اعراض فقها قرار گیرد از درجه اعتبار ساقط می‌شود و نمی‌توان بدان اعتماد کرد.

۱۳- خبر مرسل موثق: خبری است که نام همه روایان حدیث در سلسله سند آن ذکر نشده باشد، ولی در میان روایان یاد شده عده‌ای موثق باشند و مشایخ حدیث و رجال براین اعتقاد باشند که آن راوی از غیر موثقی چیزی را بعنوان روایت نقل نمی‌کند، و از این اعتقاد چنین نتیجه گرفته شود که پس راوی میانی که نامش ذکر نشده موثق بوده زیرا راوی متاخر که نامش ذکر شده از غیر موثق نقل حدیث نمی‌کند.

این گونه خبر را بیشتر علمای امامیه و شافعی و مالکی حجت و معتبر دانست‌اند.

۱۴- خبر مرسل غیر موثق، خبری است که راوی مستقیماً خبر را به معصوم نسبت داده باشد و ما به لحاظ قراین، بدست آوریم که راوی مستقیماً روایت را از معصوم نشنیده است، بلکه از روایان دیگری اخذ کرده است. ولی ندانیم که آن روایان چه کسانی بوده‌اند و حال راوی حدیث بگونه‌ای نباشد که بتوان نتیجه گرفت که او از غیر موثق نقل حدیث نمی‌کند. این گونه خبر را بیشتر علمای اصولی مذاهب اسلامی معتبر ندانست‌اند.

تقسیمات دیگر خبر

برای خبر اقسام و عناوین دیگری است و بحث ما چون درباره منابع و پایه‌های شناخت است بجا و مناسب است یکایک آنها را یاد آور شویم تا معلوم شود که کدام یک از آنها را می‌توان مورد استنباط احکام حوادث واقعه و موضوعات مستحدثه قرار داد و کدام یک از آنها را نمی‌توان قرار داد. در هر حال آن اقسام و عناوین بشرح زیر است.

۱- مقبول: خبری است که دارای سند قوی و محکم

متفاوت نقل کرده باشد که از اینگونه حدیث به مختلف نسخه نیز تعبیر شده است که در شماره ۲۸ توضیح آن می‌آید.

۱۵- مدرج: خبری است که احتمال رود، راوی در میان روایت کلامی را از خود افزوده باشد. بطوری که معلوم نباشد کدام کلام امام است و کدام کلام راوی است. این نوع خبر نیز مورد استفاده اندیشمندان در مقام استنباط قرار نمی‌گیرد.

۱۶- مقلوب: خبری است که در سند یا متن آن قلبی صورت گرفته باشد. قلب در سند، مانند اینکه محمد بن الحسین، حسین بن محمد ذکر شده باشد. و معلوم نباشد که کدامیک صحیح است.

قلب در متن، مانند اینکه در روایتی آمده است: «رجل تصدق بصدقة اخفاها حتى لا تعلم يمينه ماتنق شماله» و در روایت دیگر آمده است «لا تعلم شماله ماتنق يمينه» که البته این گونه قلب در برخی موارد و مسایل فقهی ممکن است فرقهایی را بدنبال داشته باشد.

۱۷- معنعن: خبری است که در سند آن تعبیر فلان عن فلان... به میان آمده باشد و در صدر آن کلمه «حدثنا» یا «اخبرنا» و نظائر این تعابیر ذکر شده باشد.

۱۸- متشابه: در جایی است که لفظ در کتابت شبیه به یکدیگر واهی در قرائت متفاوت باشد. مانند محمد بن نَعِيم و محمد بن نُعِيم، محمد بن عَقِيل یا محمد بن عَقِيل، محمد بن جَرِير یا محمد بن جُرِير و...

۱۹- مؤتلف و مختلف، خبری است که عبارتی در آن دارای یک کتابت و دو قرائت باشد ولی نتیجه یکسان باشد.

این گونه اخبار اگر مطابق موازین علم رجال و درایه دارای شرایط حجیت و اعتبار باشند مورد استنباط قرار می‌گیرند و گرنه در مقام استنباط مورد استناد قرار نمی‌گیرند.

۲۰- موضوع: خبری است که از ناحیه دروغگویان

کتابهای رجالی یادی از آنها به میان نیامده باشد.
۸- موقوف: خبری است که سلسله سند آن به معصوم برسد ولی نام معصوم برده نشده باشد و معروف باشد که راوی آن خبر از غیر معصوم نقل حدیث نمی‌کند.

۹- معضل: خبری است که نام برخی از روایان در سلسله سند نیامده باشد و شناخت آنان آسان نباشد.
۱۰- مضمَر: روایتی است که نام معصوم در آن مضمَر باشد و ذکر نشده باشد مثل آنجایی که روایت کننده بگوید: «سألته عليها السلام...» که ما می‌فهمیم راوی از معصوم روایت کرده ولی نمی‌دانیم که نام آن معصوم چه بوده است.

۱۱- معلق: خبری است که در یکجا محدث آن با تمام سند نقل می‌کند و در جای دیگر صدر آن را حذف می‌کند و در حقیقت سند آن را معلق بر نقل نخستین می‌نماید.

۱۲- مرفوع: خبری است که نام برخی از رجال سند در آن ذکر شده باشد و برای اختصار نام رجال پیش از او حذف شود و راوی بگوید «رفعهالی المعصوم».

۱۳- معلل: خبری است که در سند یا متن آن خدشهای است که صحت خبر را مشکوک می‌سازد. گروهی از این گونه روایت به حدیث معلول تعبیر کرده‌اند و معانی دیگری نیز برای معلل ذکر شده است که یاد همه آنها موجب تطویل است در هر حال این گونه روایات را محققان بعنوان منبع مستقل در مقام فتوا نپذیرفته‌اند.

۱۴- مضطرب: خبری است که به دو گونه روایت شده باشد. مثلاً در یک روایت، راوی با واسطه و در روایت دیگر بدون واسطه از کسی نقل حدیث کرده باشد که این اضطراب، اضطراب در سند نامیده می‌شود. گاهی اضطراب در متن حدیث است، به این گونه که راوی حدیث را به دو شکل و با دو معنای

وجاعلان حدیث جعل شده باشد.

۲۱- متروک: خبری است که راوی آن متهم به دروغگویی وجعل حدیث باشد و آن روایت جز از ناحیه او نقل نشده باشد.

۲۲- مطروح: خبری است که مضمون آن مخالف دلیل قطعی باشد و هیچگونه تأویلی در مورد آن ممکن نباشد.

۲۳- مشترک: خبری است که راوی یا راویان آن بین ثقه وضعیف، مشترک باشد و ما دلیلی در دست نداشته باشیم که منظور از آن، فرد ضعیف است یا موثق.

این گونه، اخبار نیز در مقام استنباط از اعتبار برخوردار نمی‌باشد.

۲۴- عالی: خبری است که در مقایسه با اخبار دیگر دارای واسطه کمتری باشد. و راوی با وسائط کمتری آن را از معصوم نقل کرده باشد.

۲۵- نازل: خبری است که عکس عالی (مذکور در شماره قبل) باشد.

۲۶- مصحف: خبری است که در عبارات متن یا سند آن نقطه‌هایی جابجا شده باشد ولی این جابجایی ضرری به حدیث وارد نیاورد. که معمولاً این گونه جابجایی از تصحیف و نسخه برداری و تألیف پدید می‌آید. مانند «ابن مزاحم» که در برخی نوشته‌ها «ابن مزاحم» ضبط شده است. این گونه روایات اگر مطابق موازین علم رجال و درایه دارای شرایط قبولی باشد مورد استفاده قرار می‌گیرد والا نمی‌توان آنها را در مقام استنباط مورد استناد قرار داد.

۲۷- محرف: خبری است که در شکل کلمه تغییری داده شود، ولی صورت لفظ همچنان باقی مانده باشد، مثل لفظ «عَنْزَه» و «عَنْزَه» در حدیث «کان نبی (ص) اذا صلی نصبت بین یدیه عنزه» که راوی در یک مورد گمان برده است که «عنزه» می‌باشد و بدین جهت در موردی آن را نقل به معنا کرده و گفته است: «کان النبی

(ص) اذا صلی نصبت بین یدیه شاة».

۲۸- مختلف النسخة: خبری است که با اینکه راوی آن یکی است ولی در بعضی کلمات آن اختلافی دیده می‌شود که باعث اختلاف در نتیجه شود مانند خبر اسحاق که در باره حلیت زن بوسیله طواف برای محرم وارد شده است زیرا این حدیث به دو گونه از او نقل شده است.

الفد در خبر اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) نقل شد که فرمود «قال: لولا ما من الله به علی الناس من طواف الوداع لرجعوا الی منازلهم و لا ینبغی لهم ان یمسوا نسائهم».

ب- در خبر او نیز آمده: «لولا ما من الله به علی الناس من طواف النساء...».

موارد عدم حجیت خبر واحد

در زمینه حجیت خبر واحد، به اجمال بیان گردید که هر خبری واجد اعتبار نیست بلکه خبر یا باید متواتر و قطع آور باشد تا مهر حجیت بر آن زده شود و یا در صورتی که متواتر نیست باید از جهت سند مورد اطمینان و وثوق باشد.

و اما در این مقطع از بحث می‌خواهیم نکته‌ای را فراتر از آنچه قبلاً گفته شد، یاد آور شویم و آن این است که خبر واحد اگر دارای همه شرایط حجیت و اعتبار باشد گاه در مقام استنباط از درجه اعتبار و حجیت ساقط می‌شود و نمی‌توان بدان استناد جست و به تعبیر دیگر گاهی خبر واحد با اینکه بر اساس ملاکهای اصولی دارای شرایط حجیت است، به هنگام استنباط حکم، حجیتش رد می‌شود و بکار نمی‌آید.

کلام ابواسحاق شیرازی

از جمله اندیشمندانی که به این موارد اشاره کرده‌اند علامه ابواسحاق شیرازی در کتاب «اللمع» است. موارد رد حجیت خبر واحد از این قرار است:

ج- خبری که گروه زیادی آن را تکذیب کرده باشند و آن گروه به شکلی باشند که اتفاق و هماهنگی آنان بر کذب عادتاً محال باشد. مثلاً گروه زیادی شهادت دهند که ما در زمان این خبر بوده‌ایم و چنین خبری در کار نبوده است.

د- خبری که جمع زیادی از نقل آن خودداری کرده‌اند، با اینکه عادتاً در معرض دید آنان بوده است.

کلام علامه قرافی

بنا به نقل علامه جزائری در کتاب توجیه النظر (ص ۸۲) علامه شهاب الدین احمد بن ادریس (م ۶۸۴) معروف به قرافی موارد بی‌اعتباری خبر واحد را در مقام استنباط حکم تا پنج مورد بر شمرده است:

- ۱- منافات داشتن خبر با یکی از ضروریات و اوضاع.
- ۲- منافات داشتن خبر با نظر دقیق.
- ۳- تنافی خبر با دلیل قطعی.
- ۴- تنافی خبر با خبر متواتر.
- ۵- تنافی خبر با قواعد شرعی.

نظر امامیه

بیشتر اندیشمندان امامیه معتقدند که خبر واحد در چند مورد قابل استناد در امر استنباط احکام حوادث واقع نیست.

۱- در مواردی که خبر مخالف و معارض با کتاب باشد، بگونه‌ای که جمع موضوعی (مانند عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین) یا جمع حکمی (مانند ظاهر و باطن، ظاهر و باطن، ظاهر و باطن) ممکن نباشد.

۲- در مواردی که خبر مخالف با دلیلی قطعی از سنت - خبر متواتر - باشد.

۳- در جایی که ظاهر خبر مخالف با نص باشد، که در چنین مواردی ظاهر حمل بر نص می‌شود و در حقیقت، نص مورد عمل و استناد قرار می‌گیرد. برای توضیح این گفتار ظاهر خبر (لا تتوضوا بالماء

۱- مخالفت خبر واحد با مدارک عقلی و بر این گفتار خود استدلال می‌کند که شریعت در زمینه‌هایی که با عقول سازش داشته باشد حکم می‌کند ولی در زمینه‌هایی که بر خلاف آنها باشد حکمی بیان نمی‌دارد.

ابن تیمیه حنبلی نیز دارای همین نظریه است می‌گوید محال است که دو دلیل قطعی با هم تعارض و ناسازگاری داشته باشند چه اینکه آنها عقلی باشند و چه آنکه یکی عقلی و دیگری شنیدنی باشد.

۲- مخالفت آن با نص کتاب و یا سنت متواتر.

۳- مخالفت آن با اجتماع.

۴- وقتی که موضوع خبر از ضروریات دین باشد و باید همه مسلمانان آن را بدانند. زیرا در چنین موضوعاتی بعید است که فقط یک نفر آن موضوع را شنیده باشد و مطلب بصورت خبر واحد نقل شده باشد. ۵- در صورتی که موضوع خبر، دارای خصوصیت و ویژگی‌هایی است که عادتاً باید بگونه تواتر نقل شده باشد.

کسانی که این عوامل را مانع و رادع حجیت خبر واحد دانسته‌اند، معتقدند که در مقام استنباط حکم حوادث واقع نمی‌توان به این گونه اخبار احاد استناد جست.

کلام ابو حامد غزالی

علامه ابو حامد غزالی در کتاب المستصفی فی علم الاصول می‌گوید:

... قسم دوم از اخبار، خبرهایی است که دروغ آنها بر همگان معلوم است و این نوع اخبار دارای چهار گونه است.

الف- خبری که مقتضای آن خلاف ضرورت عقل یا حسن و یا خبرهای متواتر باشد.

ب- خبری که مقتضای آن مخالف نص قطعی از کتاب و سنت متواتر و اجماع امت باشد.

که اصحاب اجماع فقط اخبار صحیح و شناخته شده و معتبر را نقل می‌کنند. و اگر چنانچه از فرد ضعیفی هم نقل حدیث کنند. مضمون حدیث از نظر آنان قطعی و قابل اعتماد بوده است.

در هر حال شناخت اصحاب اجماع در کار استنباط احکام امری ضروری است و نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌نمایند و بدینجهت نگاهی فهرست وار به نام آنان خواهیم داشت.

برخی از عالمان رجالی تعداد اصحاب اجماع را ۱۸ نفر دانسته‌اند:

* زرارة بن اعین شیبانی.

* محمد بن مسلم.

* فضیل بن یسار.

* برید بن معاویه.

* ابوبصیر.

* معروف بن خربود.

این شش نفر از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بوده‌اند.

* جمیل بن دراج.

* ابان بن عثمان.

* عبدالله بن بکیر شیبانی.

* حماد بن عیسی

* حماد بن عثمان

* عبدالله بن مسکان.

این شش نفر فقط از اصحاب امام صادق (ع) بوده‌اند.

* صفوان بن یحیی.

* عبدالله بن مغیره.

* حسن بن محبوب.

* یونس بن عبدالرحمان.

* محمد بن ابی عمیر.

* احمد بن ابی نصر بزنتی.

این شش نفر از اصحاب امام موسی بن جعفر و امام رضا (ع) بوده‌اند.

المشمس) وضو نگیرید با آبی که مورد تابش آفتاب قرار گرفته است؛ دلالت بر عدم جواز وضو با آن آب را دارد زیرا نهی ظهور در حرمت دارد ولی بظاهر این خبر نمی‌توان فتوا داد زیرا با خبر دیگری که نص در جواز است (لاباس) یا کی نیست با آن آب وضو بگیرید؛ مخالفت دارد در اینگونه موارد ظاهر حمل بر نص می‌شود و از ظهور نهی که حرمت است رفع ید می‌شود و بر کراهت حمل می‌گردد و این کار به قانون حمل ظاهر بر نص است که در تمام با بهای فقه جریان دارد.

۴- خبری که مورد اعراض اصحاب در مقام استنباط قرار گرفته باشد.

۵- خبری که معارض داشته باشد و معارضش دارای رجحان باشد.

۶- خبری که مخالف با اجتماع قدهاء باشد.

۷- خبری که با شهرت قدهاء مخالفت داشته باشد.

۸- خبری که با حکم قطعی عقل مخالفت داشته باشد.

۹- خبری که با دیگر اخبار و مبانی مذهب سازگار نباشد در حالیکه با اخبار مذاهب دیگر توافق و هماهنگی داشته باشد.

اصحاب اجماع در اصطلاح حدیث

در اصطلاح اهل حدیث گروهی از روایان خبر، اصحاب اجماع نامیده شده‌اند.

اصحاب اجماع، روایانی هستند که همه فقها و حدیث شناسان به خبر آنها اعتماد می‌کنند و روایات آنان را صحیح می‌دانند، اگر چه از افراد نا شناخته یا ضعیف خبر نقل کرده باشند.

روایاتی که در سلسله سند آنها نام یکی از اصحاب اجماع آمده باشد، فقها تنها به روایان پس از وی می‌پردازند و وثاقت روایان پس از وی را مورد بررسی قرار می‌دهند. و به روایان قبل از اصحاب اجماع در سلسله سند حدیث توجه چندانی ندارند. زیرا معتقدند

تخصیص عام کتابی به خبرواحد

این بحث در شماره پانزدهم همین نشریه به گونه مفصل گذشت و در آنجا گفتیم که: تخصیص عام کتابی بوسیله سنت قطعی (مانند خبر متواتر) جای تردید ندارد همچنان که تخصیص آیه‌ای بوسیله آیه دیگر، صحیح و بدون اشکال است و در قرآن نیز واقع شده است. آنچه محط انظار اندیشمندان قرار گرفته است تخصیص عام کتابی بوسیله سنت غیر قطعی (یعنی خبر واحد) می‌باشد.

برخی گفته‌اند که عام کتابی مطلقاً بوسیله خبر واحد تخصیص نمی‌پذیرد و گروهی گفته‌اند عام کتابی بوسیله خبرواحد تخصیص نمی‌خورد مگر در جایی که خبرواحد دارای شرایط خاص باشد که بتوان بدان اعتماد کرد و آن را معتبر و حجت دانست. این نظریه را بیشتر فقهای شیعه و جامعه اهل سنت اختیار نموده‌اند و علامه خضری در کتاب اصول الفقه (ص ۱۸۴) نیز همین نظریه را پذیرفته است.

و گروهی دیگر معتقدند که تخصیص عام کتابی به خبر واحد جایز نیست مگر در صورتی که عام کتابی قبلاً بوسیله دلیل قطعی (متصل یا منفصل) دیگری تخصیص خورده باشد، وگرنه خبر واحد نمی‌تواند ابتدئاً حصار صیانت عام کتابی را بشکند. این نظریه مورد پذیرش علمای حنفی قرار گرفته است.

بعضی معتقدند که تخصیص عام کتابی بوسیله خبر واحد در صورتی صحیح است که عام کتابی قبلاً بوسیله دلیل قطعی منفصل دیگری تخصیص پذیرفته باشد، این عقیده از آن علامه کرخی می‌باشد.

و دسته‌ای از عالمان مانند قاضی ابوبکر از هر گونه اظهار نظر پیرامون تخصیص عام کتابی بوسیله سنت غیر قطعی خودداری کرده‌اند.

دلیل جواز تخصیص

از جمله ادله‌ای که برای جواز تخصیص عام کتابی

بوسیله خبر غیر متواتر آورده شده (همانگونه که در بحثهای سابق بدان اشارت رفت) این است که اگر چه کتاب از جهت سند قطعی است و خبر واحد از جهت سند ظنی است ولی از سوی دیگر کتاب از جهت دلالت ظنی است در حالیکه خبر واحد از جهت دلالت قطعی است.

و با توجه به اینکه منظور از خبر واحد، خبر واحدی است که دارای شرایط حجیت و اعتبار باشد دوران بین دو ظن معتبر پدید می‌آید. (یک ظن دلالتی و یک ظن سندی) و اخذ هر یک مستلزم کنار نهادن دیگری و ترجیح بلا مرجح است و راه اخذ به هر دو این است که عام کتابی بوسیله خبر واحد معتبر تخصیص زده شود.

بلی! اگر دلالت عام کتابی از جهت افاده عموم قطعی باشد و دلیل معتبری در دست باشد که برساند منظور شارع قطعاً همان عموم بوده است و نه غیر آن، در چنین صورتی خبرواحد نمی‌تواند عموم آیه را تخصیص بزند. ولی فرض چنین مواردی خروج از مسأله مورد بحث است، زیرا فرض بحث در جایی است که آیه ظاهراً دارای عموم باشد ولی ما یقین نداشته باشیم که عموم آن مورد نظر شارع بوده است یا خیر. (و معنای ظنی الدلاله بودن کتاب همین معنا است) در چنین صورتی خبر واحد معتبر می‌تواند مجتهد را از تردید نسبت به دلالت و حیطة فراگیری عموم آیه بیرون آورد و منظور شارع را به او بفهماند. و در حقیقت روایت مبین و کاشف مراد شارع گردد.

بدیهی است که بحث تخصیص عام کتابی بوسیله خبر واحد در جایی مطرح است که آیه دارای عموم باشد و خبر واحد مفهوم اخصی را برساند ولی در مواردی که آیه و روایت از جهت مفهوم دارای تباین کلی باشند و راهی جز پذیرش صددرصد یکی از آن دو و رد دیگری وجود نداشته باشد، به یقین کتاب پذیرفته و روایت متعارض با آن رد خواهد شد.